

یادداشت

بازتولید خشونت در مدرسه

محمدرضا نیک‌نژاد

خشونت در مفهوم امروزی آن، تنها در انسان‌ها یافت شده و در جوامع ابتدایی بیشتر به چشم می‌آمد. اما با گذر زمان، خشونت به آرامی جای خود را به برخورد‌های انسانی‌تر داد، آنچنان که انسان مدرن به هم نوع خود ارج می‌نهد و برای این نکوداشت در سازمان ملل بیانیه حقوق بشر می‌نویسد، بر ناپدیده گرفتن آن در هر جای جهان می‌آشوبد و گردهمایی برگزار می‌کند. امروز در جهان کمتر دیده می‌شود انسانی، گروهی یا دولتی آشکارا از پامیالی حقوق انسان‌ها و کاربرد خشونت جانبداری کرده و با دیگران رفتاری خشونت‌آمیز داشته باشد. امروزه در کمتر کشوری می‌بینیم که درباره مجرم هم حکم‌های خشن داده و اجرا شود، زیرا دانش روانشناسی بر این باور است که رفتار هر کس پیامد زمینه‌های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و صدها عامل دیگر است بنابراین باید ریشه‌ها را خشکاند و به درمان بیماری پرداخت. خشونت در همه جهان –چه مدرن چه توسعه‌یابنده– دیده می‌شود، با این حال در برخی از کشورها، خشونت گسترده‌ی و ژرفای بیشتری داشته و در برخی نیز نه‌ایندنه شده است. این بلای اجتماعی، در سترزمین‌هایی که دست به گریبان جنگ با بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و… هستند، نمود بیشتری دارد. خشونت چهره‌های گوناگونی مانند جسمی، جنسی، روانی، زبانی و… دارد. کودکان بزرگ‌ترین و ناتوان‌ترین گروهی هستند که در سراسر جهان خشونت می‌بینند. این خشونت‌ها از خانه و مدرسه آغاز شده و در جامعه گسترش می‌یابد. از این رو سازمان ملل، کنوانسیون جهانی حقوق کودک را پیریزی کرد و در بسیاری از کشورهای جهان، قانونگذاران برای پشتیبانی از کودکان، قانون‌های ویژه‌ای را بنیاد نهادند و تا آنجا پیش رفتند که کودکان را برای دفاع از حقوق خویش آموزش دهند. در این کشورها، با رفتارهای خشونت‌آمیز با کودکان –از سوی هر کس که باشد، حتی والدین– به سختی برخورد می‌شود. در ایران اما در هفته‌های گذشته، خبرهایی از تنبیه بدنی –یکی از چهره‌های خشونت– در مدرسه‌ها پخش شد. نخست، حاجی‌بابایی وزیر آموزش و پرورش وجود تنبیه در مدرسه‌ها را رد کرد و آن را توهین به معلمان دانست؛ اما با کشته شدن یک دانش‌آموز در سیستان و بلوچستان و پخش فیلمی که در آن دو کودک با فشار آموزگارشان یکدیگر را به باد کتک گرفته‌اند، در سخنی شگفت‌آور، چنین رویه‌داری‌ها را عادی دانست که نمی‌توان از آنها پیشگیری کرد. اما آیا در مدرسه‌ها تنبیه وجود ندارد؟ و اگر هست، نمی‌توان از بروز آن جلوگیری کرد؟ همه ما –چه خود و چه فرزندانمان– در مدرسه، شاهد تنبیه بوده و هستیم. در ماده ۱۷۷ این‌نامه اجرایی مدرسه‌ها نیز به روشنی، روش برخورد با تنبیه بدنی و زناحوا (نظارت) آموزشگاه را برای زمینه‌یابی‌بینی شده است. وجود تنبیه در آموزشگاه‌ها چیزی نیست که به آسانی بتوان آن را نادیده گرفت. گرچه گسترده‌ی و شدت آن، محل بحث است اما در بررسی به پریده اجتماعی، نمی‌توان جامعه را در بخش‌های جدا از هم دید و ارزیابی هر بخش را جداگانه انجام داد. دانش‌آموزان و آموزگاران آنها پیش از پا نهادن به مدرسه در نهادهای اجتماعی دیگری رشد کرده‌اند که بنیادی‌ترین آنها خانواده است. کودک در خانواده‌ای آغاز به فراگیری می‌کند که والدین چندان آشنایی با روش‌های مدرن تربیتی ندارد و پیش و کم خود کنیز به روش‌های سنتی و خشونت‌آمیز تربیت! یافته‌اند. به خاطر درگیری با نابسامانی‌های اقتصادی و سختی‌های روزمره، از مسائل ریشه‌ای‌تری مانند پرورش کودکان و برقراری ارتباط مناسب خانوادگی و زناشویی بازمانده‌اند. آنها حوصله سر و کله زدن با فرزندان را ندارند و کوتاه‌ترین و زودباد‌ترین روش آموزش –که همانا روش خشک و خشونت‌آمیز است– را برمی‌گزینند و به آسانی و در کمترین زمان، صورت مساله را پاک می‌کنند. کودک در خانواده خشونت می‌بیند و می‌شنود و با آن زندگی می‌کند. در این میان فراگیرترین رسانه‌ی کشور –مدا و سیما– نیز در آموزش ریسبت می‌خشونت، نقش چندان بزرگی ندارد. برای نمونه، پخش فیلم‌هایی که رده‌بندی سنی دارند، در ساعت‌هایی که کودکان بیننده آنها هستند، نمایش صحنه‌ها خشونت‌آمیز در اخبار، پخش برنامه‌هایی که افراد ازوه‌های خشن بر زبان می‌رانند– حتی در برنامه‌های طنز و…– کودک خود را به خشونت، به مدرسه وارد و وادار می‌شود درهایی را فراگیرد که چندان ارتباط و کاربردی در زندگی او ندارد. برنامه‌های درسی ملال‌آورند. آموزگار نیز که نمونه‌ای از فرد پرورش‌یافته در همین جامعه و درگیری با دشواری‌های زندگی‌اش است، خود را در برابر دانش‌آموزان پرشمار و بی‌انگیزه و روزهای آسودن سسن خویش پرانرژی و بازیگوش در کلاس می‌بیند. ساختار متمرکز سامانه آموزشی به او فرصت درخور را نمی‌دهد که درباره مشکلات دانش‌آموزان با آنها سخن بگوید و در پایان همین ساختار از او پیشرفت محتوایی درس را می‌خواهد. درگیری‌های روزانه، ناخشنودی حرف‌های، بروز نبودن دانسته‌های شغلی، ناآشنایی با روش‌های نوین آموزش، دیربازده بودن شیوه‌های تشویقی و… او را وادار به کنترل کلاس به هر شیوه‌ای می‌کند. چگونه آموزگار خواهد توانست شمار زیادی از دانش‌آموزانی را که تنها زبان تنبیه را به عنوان شیوه می‌شناسند و دارای پتانسیل انبوهی از بازیگوشی و دست انداختن آموزگار و هم‌کلاس‌های خود هستند، در کوتاه‌ترین زمان آرام کند؟ معلم نیز مانند والدین، مسولان، جمع دوستان و تکت‌ک افراد جامعه در همان دور خشونت افتاده است. راه برورنفت از این دور، نادیده گرفتن آن نیست. این درد کهنه نیازمند رویکردی اندیشمندانه، غیرسیاسی، فراگیر، امروزی، حقوق بشری و جهانی است. بنابراین ریشه‌کنی خشونت از توان یک گروه و وزارتخانه بیرون است و نیازمند کاری بس بزرگ در گستره ملی است. نخستین گام آن آموزش و پرورش شهروندان امروز و فرادست. پس می‌توان آغاز کار را آموزش و آگاهی‌بخشی کودکان به حقوق خویش، آشنایی معلمان به روش‌های آموزشی نوین و آموزش خانواده‌ها برای پرورش فرزندان خشونت‌رهمیز دانست. در نوشته‌های خواندم «مدارس جزء واپسین حلقه‌های خشونت بوده و در عین حال جزء اولین حلقه‌های بازتولید خشونت‌اند»

گفت‌وگو با جان راولز درباره سیاست، دین و خیر عمومی

عدالت به نفع همه است

برنارد جی. پروساک

ترجمه: محمد آزاد

□

جان راولز (۲۰۰۲–۱۹۲۱) از مهم‌ترین فلاسفه سیاسی قرن بیستم و حتی به تعبیر پاره‌ای اندیشمندان، شاخص‌ترین چهره فلسفه سیاسی این قرن است. آثار این فیلسوف بحث‌انگیز و تأثیرگذار، بیش از ۵۰ سال است که چاپ می‌شود و این نوشته‌ها به‌طور فزاینده‌ای در طول این مدت، فلسفه سیاسی در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است. البته تا پیش از انتشار کتاب «نظریه عدالت» در ۱۹۷۱، او هیچ‌گونه شهرتی در محیط آکادمیک نداشت، اما بعد از انتشار این اثر بلافاصله مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت؛ تا جایی‌که برخی این کتاب را که حاوی نگاهی به دین در غرب است با آثار فلاسفه بزرگی مانند «فلاطون»، «جان استوارت میل» و «کانت» مقایسه کرده‌اند. بنابراین بی‌دلیل نیست که اثر یادشده تاکنون به ۲۷ زبان ترجمه شده است.

□

– در کتاب «نظریه‌ای در باب عدالت»^۱ دین در فهرست «موضوعات مورد بحث^۲» قرار ندارد. اما در کار اخیر شما، «لیبرالیسم سیاسی» و همچنین مقاله «پده بازنگری شده دلیل همگان‌پذیر»^۳، دین اگر نگوئیم به موضوع محوری تبدیل شده است، حداقل عمده تمرکز را به خود اختصاص داده. ما شاهد گشتی در حوزه علایق شما بوده‌ایم. انگیزه اصلی برای این تمرکز جدید چیست؟

سوال خوبی است. به نظرم توضیح اصلی این است که من به طور تاریخی نگران بقای دموکراسی قانونی هستم. من در کشوری زندگی می‌کنم که ۹۰ یا ۹۵ درصد مردم ادعا می‌کنند مذهبی هستند، و شاید واقعاً هم باشند، گرچه تجربه من از دین این بوده که اکثر مردم صرفاً به معنای متعارف کلمه مذهبی هستند نه چیزی بیش از آن. هنوز ایمان مذهبی جنبه مهمی از فرهنگ امریکایی است و یک واقعیت زندگی سیاسی امریکایی به حساب می‌آید. حالا سوال اینجاست که در یک دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی، چگونه همه نوع آموزه‌های دینی و سکولار می‌توانند با هم سازگار باشند و در پیشبرد دولتی به طور معقول عادل و کارآمد با هم همکاری کنند؟ چه مفروضاتی در مورد آموزه‌های مذهبی و سکولار و سپهر سیاست باید پروراند تا این دو بتوانند با هم کار کنند؟

– پس مساله شما در کار اخیر با مساله «نظریه‌ای در باب عدالت» متفاوت است.

بله فکر می‌کنم همین طور است. «نظریه‌ای در باب عدالت» آموزه‌ای جامع در باب لیبرالیسم بود که برای تشریح یک نظریه معین و کلاسیک عدالت، یعنی نظریه قرارداد اجتماعی طرح‌ریزی شده بود و بر آن بود تا آن را از ایرادهای سنتنی مختلف، نظیر نزاع میان آزادی فرد و خیر جمع میرا کند. تفاوت اینجاست که در «لیبرالیسم سیاسی» مساله این است که دین و آموزه‌های جامع سکولار را چگونه می‌توان با هم وفق داد و در خدمت نهادهای بنیادی یک‌سیستم مبتنی بر قانون اساسی در آورد.

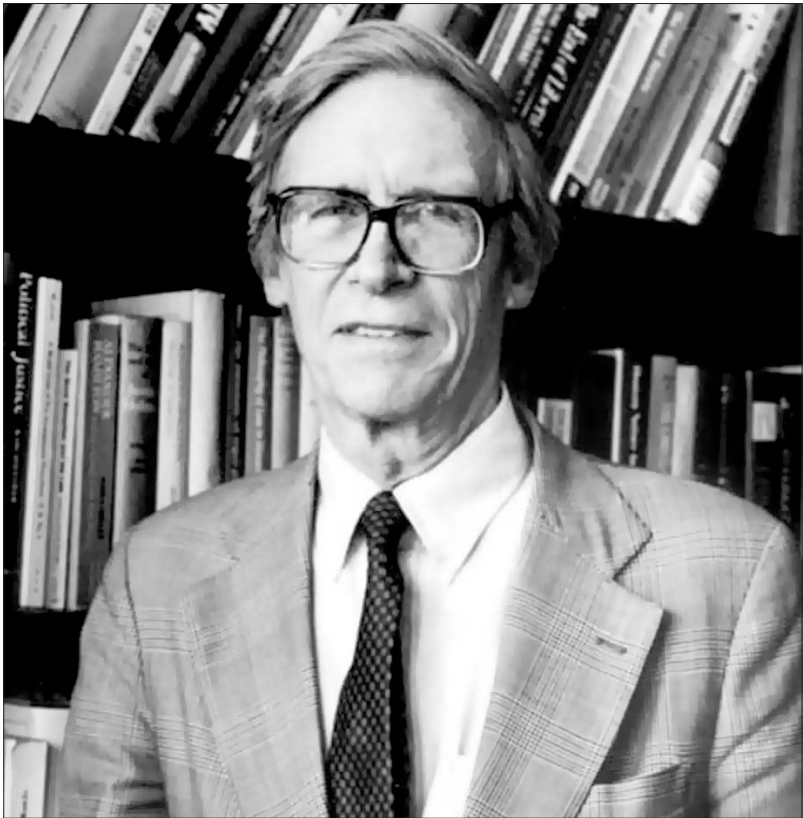
– از این مساله جدید منحرف نشویم؛ این سوال که چگونه می‌شود برای کسانی که خود را اولاً و بالذات (ابتدا به ساسان) لیبرال نمی‌دانند، کسانی که بر اساس یک آموزه جامع زندگی می‌کنند، دموکراسی لیبرال را نه‌تنها پذیرفتنی، بلکه جذاب کرد. اما قبل از آن فهم تمایز میان آموزه جامع و مفهوم سیاسی در زبان شما برای بسیاری از مردم دشوار است. ممکن است این تمایز را کمی واضح‌تر بیان کنید؟

یک آموزه جامع، خواه دینی و خواه سکولار، متمایل به در بر گرفتن کل زندگی است، یعنی اگر این آموزه دینی باشد، درباره رابطه ما با خدا و جهان سخن می‌گوید. این آموزه حاوی نظمی از تمام ارزش‌هاست، نه‌تنها ارزش‌های سیاسی بلکه همچنین ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های زندگی خصوصی و باقی ارزش‌ها. حالا ممکن است ما از نظر فلسفی احساس کنیم این آموزه واقعاً همه چیز را دربرنمی‌گیرد، اما هدف این است که دربرگیرد، یک آموزه سکولار هم همین طور است. اما یک مفهوم سیاسی، آن گونه که من از این اصطلاح مراد می‌کنم، وسعت محدودتری دارد. این مفهوم تنها به ساختارهای پایه‌ای^۴ جامعه اطلاق می‌شود، به نهادهای آن، ضروریات قانون اساسی^۵ مسائل مربوط به عدالت پایه‌ای و مالکیت و نظایر آن. این مفهوم کارزار انتخاباتی، ارزش‌های سیاسی، و خیر زندگی سیاسی را دربرمی‌گیرد اما قصد دربر گرفتن هیچ چیز دیگری را ندارد. من تلاش کردم نشان دهم مفهوم سیاسی چگونه می‌تواند قائم به خود در نظر گرفته شود و قابلیت آن را دارد که به عنوان قسمتی از بسیاری آموزه‌های جامع مختلف درآید. حال این خیر زندگی سیاسی، خیر سیاسی بسیار مهم و ارزشمندی است. این خیری سکولار نیست که از طریق یک آموزه جامع مشخص شده باشد، نظیر آنچه نزد جان استوارت‌میل یا کانت می‌یابیم. می‌توان این خیر سیاسی را چونان خیر شهروندان آزاد و برابر که وظیفه شهروندی آن در قبال هم به رسمیت می‌شناسند، توصیف کرده وظیفه ارائه دلایل همگان‌پذیر به شهروندان برای اعمال سیاسی.

– برای واضح‌تر کردن و شاید انضمامی‌تر کردن این تمایز، ممکن است درباره یک مثال مشخص، مثلاً خودکشی با همیاری پزشک^۶ بحث کنید؛ شما هم آن «بیانیه فیلسوفان»^۷ را که در سال گذشته به دیوان عالی کشور ارائه شد، امضا کردید. به اختصار، شما استدلال می‌کنید که انسان‌ها به گونه‌هایی متفاوت رنج را می‌فهمند و در یک دموکراسی مبتنی بر قانون، هیچ کس نباید قادر باشد به کسی بگوید که روزهای آخر عمرش را چگونه بگذراند. استدلال شما در مورد همین خودکشی با همیاری پزشک چگونه خود را نشان می‌دهد؟

ما از دادگاه خواستیم در مورد این پرونده‌ها برحسب آن چیزی که فکر می‌کردیم حق پایله قانونی است، تصمیم بگیرد. این مساله به طور که فکر کنیم یک اصل

اندیششه



آن است که مردم چنان دلایلی ارائه کنند که بتواند

فارغ از آموزه جامع مورد اعتقادشان فهم و ارزیابی شود. برای نمونه آنان که علیه خودکشی با همیاری پزشک سخن می‌گویند، بگویند در این کار چه توان بالقوه‌ای از بی‌عدالتی نهفته است. پس دلیل همگان‌پذیر درباره پاسخ درست به همگی این پرسش‌ها نیست بلکه در باب سنخ دلایلی است که در پاسخ ارائه شده.

– انتقادی که به کار شما می‌شود، این است که اگرچه شما نسبت به استدلال‌هایی که مبنای مذهبی دارند، روادار هستید، با این وجود، در اصطلاح عام یعنی اصطلاحی که همه مردم بفهمند، استدلال شما با نقایی بر چهره، به نفع سکولاریسم است. این چیزی است که شما منکر آن هستید.

بله، مطلقاً منکر این مساله‌ام. تصور می‌کنم استدلال من همان اندازه به طور مستتر و با نقاب به نفع سکولاریسم است که به نفع دین. توجه کنید دو دسته آموزه جامع وجود دارد؛ دینی و سکولار. دسته نخست معتقدند من به شکل مستتر از آموزه‌های سکولار دفاع می‌کنم و دسته دوم بر عکس گمان می‌کنند استدلال من در جهت آموزه‌های دینی است. من منکر هر دو هستم. هر دو طرف ایده‌های مبنایی دموکراسی قانونی را پذیرفته‌اند. پس پیشنهاد من این است که می‌توان مباحث سیاسی را در قالب دلیل همگان‌پذیر پی گرفت. در این صورت ما یک مبنای مشترک خواهیم داشت. این گونه است که می‌توانیم یکدیگر را بفهمیم و با یک هم‌کاری کنیم.

– بگذارید جور دیگری بگویم. سوال این است که چه کسی معیار دلیل همگان‌پذیر را تعریف می‌کند. سوال این است که ما معضلی مشخص داریم. چند دین و مذهب در ایالات متحده وجود دارد؟ اینها چگونه با هم سر می‌کنند؟ یک راه، که راه متداول در طول تاریخ بوده، این است که بر سر موضوع بچنگیم، مثل فرانسه در قرن شانزدهم. اما چگونه از افتادن دراین دام بپرهیزیم؟

بیبینید، کاری که باید بکنم این است که بپرسم پیشنهاد بهتر چیست، راه‌حل شما چیست؟ و من نمی‌توانم راه‌حلی بهتر از این پیدا کنم. این راه‌حل در تئوالات متحده از زمان متمم اول قانون اساسی دنبال شده است. مردم اگر بخواهند، می‌توانند بر اساس انجیل استدلال کنند اما من از آنها می‌خواهم در نظر داشته باشند که همچنین باید استدلال خود را برانند

کنند که تمامی شهروندان عقلانی بتوانند با آن همراه شوند. دوباره می‌پرسم، جایگزین چیست؟ چگونه می‌خواهید در یک رژیم قانونی با تمام آموزه‌های جامع دیگر کنار بیایید و استدلال خود را بر آنها بر اساس آموزه خود بیان کنید؟ – آیا شکوفایی و حفظ دین در چنین جامعه‌ای امکان‌پذیر است؟ □

به نظر من جواب واضح است: بله. ایالات متحده را با اروپا مقایسه کنید؛ به نظر من آنچه در اروپا اتفاق افتاد این بود که اعتماد مردم به کلیسا از دست رفت چرا که کلیسا در صف پادشاهان ایستاد، تفتیش عقاید را نهادینه کرد. تاریخ ما تصدیق می‌کند که پاسخ مثبت است. پاسخ من تاریخی است، نه صرفاً نظری. برای نمونه می‌توانید ببینید که کاتولیسیسم دراینجا بیشتر شکوفا شد یا بریزل یا فرانسه. تو گوئیل نیز همین نظر را دارد. او به سراسر این کشور سفر کرد و با کشیش‌های کاتولیک، که در آن زمان در اقلیت بودند، به صحبت نشست.

– شما می‌گویید خب، جایگزین شما چیست، چه می‌خواهید؟ به طریقی به نظر می‌رسد که می‌گویید نگاه کنید این بهترین راه توافق همگانی است. اما به همین ترتیب استدلال شما به چیزی بیش از این نیز نظر دارد؛ می‌خواهید ثبات دلایل صحیح نیز تضمین شود. این دلایل به غیر از صلح –که البته به نظر من دلیل بسیار خوبی است– چه هستند؟

بله، صلح دلیل بسیار خوبی است اما دلایل دیگری نیز هست. من قبلاً به خیر زندگی سیاسی اشاره کرده‌ام؛ خیر شهروندان آزاد و برابر که وظیفه شهروندی را در برابر هم به رسمیت می‌شناسند و حامی نهادهای یک رژیم قانونی هستند. تصور من این است که بر اساس دیدگاه واتیکان، کاتولیک‌ها این نهاده‌ها می‌پذیرند. همچنین است بسیاری از پروتستان‌ها، یهودی‌ها و مسلمان‌ها. این

بازتاب

پاسخ سیدجواد طباطبایی به جواد مظفر **من اهل حقوقم و تابع حکم قانون**
سیدجواد طباطبایی در پی اظهارات محمدجواد مظفر مسوول انتشارات کویر در مصاحبه با خبرگزاری مهر و روزنامه شرق، پاسخی را برای ما ارسال کرده است. در این پاسخ درباره آقای مظفر از اتهامات و تعابیر تندى استفاده شده است که روزنامه شرق قادر به انتشار آنها نیست. اما بخشی از نامه را که روایت سید جواد طباطبایی از اختلاف اصلی طرفین است می‌خوانید.

—

در نامه من به معاونت وزارت ارشاد آمده بود که برابر قراردادی با انجمن ایران‌شناسی، در فاصله رختنکاد دو اخراج، من برخی از نوشته‌های هانری را ترجمه کرده‌ام. تاریخ فلسفه اسلامی یکی از آن نوشته‌هاست. من آقای مظفر را به مدیر انجمن برای انتشار آن کتاب معرفی کردم. قرار بود آن کتاب را کویر منتشر کند و برابر قرارداد برای هر چاپ حقوق انجمن، که حقوق متن فرانسه نوشته‌های کرین به او تعلق دارد، و حقوق مترجم را از طریق انجمن پرداخت کند. در زمان انتشار چاپ سوم، از برلین، در نامه‌ای به مسوول اسبق انجمن نوشتم که حقوق من پرداخت نشده؛ پاسخی دریافت نشد. در زمان چاپ چهارم از امریکا به آقای مظفر توضیح دادم که بخش مهم حقوق آن کتاب طبق قرارداد به من تعلق دارد. از او خواستم که حقوق انجمن را پرداخت نکند تا وضع حقوقی میان من و انجمن روشن شود. ادعا کرد که این کار را خواهد کرد. تردیدی نیست که آقای مظفر می‌بایست انجمن را در جریان درخواست من قرار می‌داد. نفع او به عنوان ناشر و اثر من که تاکنون ۱۸ بار– البته در سال‌های اخیر بدون اجازه من و بدون قرارداد جدید برای ویراست دوم آنها که حساب آن را نیز در فرصت دیگری تهیه خواهم کرد– به چاپ رسانده، ایجاب می‌کرد که چنین کند. از اینکه نکرد، من بو برده بودم که خلائی در کار است.

من به تحقیق خودم در این باره ادامه دادم و از طریق منبعی که نام او را نخواهم گفت، به چگونگی… پی بردم. او با توضیحی که درباره نقلت ناشر– که اگر لازم شد نام او را نخواهم گفت– دیگری به من داد، شک‌های مرا به یقین تبدیل کرد. بدیهی است که قرارداد من با انجمن را او نمی‌توانست باطل کند، اما می‌توانست به اطلاع انجمن برساند که من در گرفتن حقوق خود اصرار دارم؛ من اهل حقوقم و تابع حکم قانون! از او پرسیدم آیا همه حق‌التالیف را به انجمن تا آن زمان پرداخت کرده‌است؟ پاسخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که …

می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ گذشته او از پشت تلفن فهمیدم که … می‌گویند… او نمی‌دانست که من سال‌های بسیاری را در مسائل حقوقی گذرانده‌ام و به راحتی روزی‌رنی درزان را پاسخخ داد: بله! از او خواستم به اطلاع انجمن برساند که تصمیم دارد از آن پس حقوق من کسر و آنگاه با انجمن تصفیه حساب کند. پاسخ داد این کار را خواهد کرد. از دو پاسخ